

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مراد از خائف بودن امام عصر (ع) در ادعیه و زیارات

نگارنده: علی ربانی

چکیده:

بررسی معنایی و دلالتی واژه «خائف» که در ادعیه به امام نسبت داده شده است، هدف این مقاله است تا پاسخی در جواب کسانی باشد که برداشت نامناسبی از این واژه دارند. علاوه بر آن، معنای «خوف قتل» که از علل غیبت امام در روایات بیان شده است، واضح می‌شود.

کلمات کلیدی: خائف، ترسو، خوف از قتل، خوف از خدا.

مقدمه:

برگرداندن معنای یک واژه از یک زبان به زبان دیگر نیازمند تسلط کامل بر هر دو زبان است گاهی ترجمه با کلمات مشابه هم صورت می‌پذیرد اما به معنای صحیح‌تر با تلقی مخاطب از این واژه توجه نمی‌شود. ترجمه نامناسب یک کلمه می‌تواند معنایی با یک بار منفی در ذهن القاء کند که آن بار منفی همراه کلمه نباشد.

بررسی استعمالات یک واژه در قرآن و روایات و ادعیه به همراه بررسی کلماتی که با واژه مورد نظر قرین و همراه شده است به ما در درک معنا کمک خواهد کرد و این همان روشی است که اهل لغت در لغت‌شناسی از آن بهره می‌گیرند.

واژگان خوف، خشیت، رعب، حذر، وجله، از جمله کلماتی هستند که به ظاهر معنای مترادف با یکدیگر دارند اما تفاوت‌های معنایی آنها و کشف مراد متکلم از آنها نیازمند بررسی قرینه‌هایی است که در عبارت وجود دارد. ترس، وحشت، احساس خطر، نگرانی، اضطراب و دیگر واژگان در این خانواده با هم تفاوت‌هایی و یک معنای مشترک می‌توانند داشته باشند اما باید دید کدام معنا مناسب برای ترجمه است.

برداشتهای ناصحیح:

برخی واژه خائف را ترسو معنا می‌کنند و خوف قتل را معادل ترس از کشته شدن می‌گیرند در حالی که اگر غیبت امام عصر از ترس جانش باشد، پس فاقد شجاعت بوده و چون این ترس همواره خواهد بود هیچ‌گاه نیز نباید ظهور کند. به علاوه چگونه ایشان از سوی خدا یاری می‌شود در حالی که می‌ترسد و چنین فردی که قادر به دفاع از خویش نیست چگونه می‌خواهد مدافع حقوق دیگران باشد؟

نسبت دادن این واژه به حضرت در ادعیه، زیارات و روایات:

در دعای بعد از زیارت آل یاسین اینگونه عرضه می‌داریم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَ الثَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَ لِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرتَقِبِ الْخَائِفِ وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةَ النَّجَاهِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ ابْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ مُجَلِّي الْعَمَاءِ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، خدایا درود فرست بر محمد نام مبارک امام دوازدهم، حجّت در زمینت، و خلیفهات در کشورهایت، و دعوت کننده به راهت، و قیام کننده به عدلت، و انقلاب کننده به فرمانت، دوست اهل ایمان و نابود کننده کافران، و زداینده تاریکی، و روشنی بخش حق، و گویای به حکمت و راستی، و کلمه کاملت در زمین، آن منتظر بیمناک، و ولی خیرخواه، کشتی نجات، و پرچم هدایت، و روشنی دیدگان مردم، و بهترین کسی که جامه و ردای خلافت پوشید، و زداینده کوردلی، که زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که از ستم ستمکاران پر شده که تو بر هر چیز توانایی.»^۱

در زیارت روز جمعه اینگونه امام را مورد خطاب قرار می دهیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَ يُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، سلام بر تو ای نور خدا که رهجویان به آن نور ره می یابند و به آن نور از مؤمنان اندوه و غم زدوده می شود، سلام بر تو ای پاک نهاد و ای هراسان از آشوب دوران، سلام بر تو ای همراه خیرخواه، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر تو ای چشمه حیات،»^۲

همچنین در زیارت دیگری که قبل از ورود به سرداب مقدس وارد شده است اینگونه با خدا نجوا می کنیم:

۱. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۱، ص: ۴
 ۲. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، ص: ۳۸

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ، وَ مُعَيِّبِكَ فِي أَرْضِكَ، الْخَائِفَ الْمُتَرْقَّبَ، اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، خدایا بر محمد و آلش درود بفرست و کلمه‌ی کاملت و پنهان شده‌ات در زمین‌ات را ظاهر ساز. همان که بیمناک و منتظر است. خدایا با پیروزی عزتمند یاریش کن و برایش راهی به فتح آسان بگشا.»^۳

در این زیارات خائف با کلمات مرتقب و مهدّب قرین شده است. مرتقب و مترقب به معنای اسم فاعل اگر گرفته شود بدین معنا است که خود حضرت در حالت انتظار به سر می‌برند تا برای ظهور از ناحیه پروردگار اذن داده شود. و اگر به معنای اسم مفعول باشد یعنی به فتح قاف تلفظ شود، بدین معنی است که خود حضرتش مورد انتظار است.

در مورد حضرت موسی نیز این تعبیر در قرآن آمده است و آن آیه‌ی شریفه‌ی «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»^۴ است، که «حضرت موسی با حالت خوف از میان قوم بیرون رفت و سالها انتظار می‌کشید، تا خدا اراده کند و او را برای نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان، بازگرداند»^۵

در اینکه مورد انتظار حضرت موسی چه چیزی بوده است اختلاف است. برخی از مفسرین می‌گویند: «یترقب لحوق الطالب» یعنی مترصد بود مبادا کسانی که در پی انتقام بودند به او برسند. در تفسیر قمی نیز اینگونه آمده است: «كَمَا حَكَى اللّٰهُ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ يَلْتَفِتُ عَنْ يَمِيْنِهِ وَ يَسْرَهُ وَ يَقُوْلُ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ»^۶ یعنی مواظب چپ و راستش بود. در تفسیر صافی در ذیل آیه‌ی هجدهم سوره مبارکه قصص «فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِيْنَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» که شرح حال قبل از خروج حضرت موسی است، آمده: «یترصد الاستفاده» یعنی در کمین استفاده از فرصت بود.

۳. المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص: ۵۸۹

۴. القصص : ۲۱

۵. ترجمه علی دوانی از جلد ۵۱ بحار الانوار با نام مهدی موعود ، ص ۴۷۹

۶. تفسیر الصافی، ج ۴، ص: ۸۵

۷. تفسیر قمی، ج ۲، ص: ۱۳۷

سید الشهداء در هنگام خروج از مدینه آیه شریفه فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ را قرائت کردند، و در روز سوم شعبان وارد مکه شدند.^۸ جابر جعفی هم از امام باقر در ضمن حوادث زمان ظهور نقل می‌کند که: «و یخرج المهدی منها علی سنه موسی خائفاً یترقب حتى یقدم مکه» یعنی حضرت مهدی همانند حضرت موسی با حالت «خائفاً یترقب» خارج می‌شود تا وارد مکه می‌شود.

فراز های قبل و بعد در زیارات گویای اثبات صفات مثبت برای امام‌اند پس نتیجه می‌شود که ترجمه‌ی خائف به معنای ترسیدن و ترسو که بار معنایی منفی دارد، غلط است علاوه بر آن از معنایی که از واژه‌ی مرتقب بدست می‌آید نتیجه می‌شود که در حالت انتظار به سر بردن حضرت با ترس قابل جمع نیست یعنی کسی که می‌خواهد مجری این چنین حرکت عظیمی که غلبه نهایی حق بر باطل نام گرفته است باشد، ترس در وجود او معنی ندارد.

استعمالات دیگر خائف، در دعاها و زیارات:

در اکثر دعاها این واژه به معنای خوف از خدا است و یک صفت مورد مدح به حساب می‌آید و به ما می‌آموزد که باید در پی تحصیل این صفت نفسانی در وجود خویش باشیم. برخی از این دعاها عبارتند از:

- (۱) اذْعُوكَ دَعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ الْمُسْتَفِيقِ الْبَائِسِ الْمُهَيِّنِ الْحَقِيرِ^۹
- (۲) فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ^{۱۰}
- (۳) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَائِفَ اللَّهِ فِي سِرِّيهِ (زیارت دیگری برای امیر المومنین)^{۱۱}
- (۴) الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ مِنْ عُقُوبَتِكَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي، وَ تَعْمَدَ تِي، وَ تَحْنَنَ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ^{۱۲}
- (۵) يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرٌ^{۱۳}

۸. زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام / ترجمه اعلام الوری، متن، ص: ۳۱۷

۹. مصباح المتعبد، ج ۲، ص: ۸۱۱

۱۰. همان، ج ۲، ص: ۸۳۰

۱۱. المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص: ۲۵۷

۱۲. همان، ص: ۵۴۲

خوف از خدا به معنای ترس از خدا نیست همچنانکه راغب اصفهانی می‌گوید: «مراد از (خوف از خدا) نه آن چیزی است که از ترس و بیم در خاطر انسان می‌گذرد، مثل شعور و فهم ترسیدن از شیر، بلکه مراد خود داری از گناهان و برگزیدن طاعات خداست، لذا گفته شده - تَخْوِيف - از سوی خدای تعالی تشویق به پروا داشتن و دور شدن از گناهان است و کسیکه گناهان را ترک نکرده خائف نیست.»^{۱۴}

صاحب قاموس قرآن نیز می‌گوید: «خوف یکی از صفات نیک است و انسان را از بدبختی‌های دنیا و آخرت نجات میدهد مثل خوف از خدا، خوف از عذاب آخرت، خوف از ذلت دنیا و آخرت و غیره، در قرآن کریم در اینگونه موارد بکار رفته است و از صفات و شعار بندگان خداست بخلاف جبن که از ضعف نفس ناشی است و از علامات نقص است.»^{۱۵}

معنای صحیح واژه خائف:

از بررسی کلمه خائف بدست آمد که ترجمه‌ی خائف به ترسو صحیح نیست و بهتر آن است که به معنای «برحذر بودن» و نیز «پروا داشتن» ترجمه شود چون معادل واژه ترس کلمه جبن است و ترسو به کسی گفته می‌شود که دارای ضعف و نقصان است.

راغب اصفهانی می‌گوید: «جَبْن یعنی ترس و ضعف قلب و دل از چیزی که براستی بایستی بر آن تسلط داشت و نیرومند بود، - رجل جَبَان و امرأة جَبَان - در مذکر و مؤنث هر دو - جَبَان - بکار می‌رود.»^{۱۶} پس ترجمه‌ی خائف به ترسو با بار معنایی منفی ترجمه به معنای جَبَان است که هیچ کسی ملتزم به آن نیست.

^{۱۳} إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۱، ص: ۳۴۶
^{۱۴} ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص: ۶۴۸
^{۱۵} قاموس قرآن، ج ۲، ص: ۳۱۳
^{۱۶} ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص: ۳۷

از شجاعت حضرت موسی که قرآن گویای آن است و نیز شجاعت امام حسین و بخصوص حضرت مهدی که سیره و عملکرد ایشان فریاد می‌زند و در روایات به تصویر کشیده شده است بدست می‌آید که خائف به معنای جبان نیست.

امروز ولیّ زمان در پس پرده‌ی غیبت با سنتهای از انبیاء گذشته نظیر حضرت موسی و یوسف زندگی می‌کند اما آنگاه که اذن ظهور از ناحیه پروردگار برای امام عصر صادر شود، شجاعت و رشادت حیدریه‌ی حضرت بر جهانیان نمایان خواهد شد و با آنچه از اجداد طاهرینش به ارث برده است بر عالم حکومت خواهد کرد.

نکته پایانی:

خوف دو گونه است یکی خوف از خدا و خوف برای خدا که ممدوح است و دیگری خوف از غیر خدا که مذموم شمرده شده است. منظور از آیاتی که می‌گوید: «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ» اولیاء خدا هیچ‌گونه خوفی ندارند این است که خوف مذمت شده را دارا نیستند و آلا خوف از خدا حتی در چهره‌ی آنان نمایان است.

خوف از قتل که در روایات به عنوان چرائی غیبت ذکر شده است به این معنی نیست که امام از غیر خدا بر جانش می‌ترسد چون امام برای جانفشانی در راه خدا همیشه آماده است اما به جهت هدف عالی‌تر خود را از گزند دشمنانی که قصد گرفتن جان حضرت را دارند، حفظ می‌نماید و آن هدف عالی رهایی انسانها از ضلالت و گمراهی و ظلم و جور است.

تعبیر «حفظ جان حضرت» برای علل غیبت مناسب‌تر بوده و با دیگر آموزه‌های مهدوی هم-خوانی دارد. خداوند متعال از پنهان زیستی ولیّ‌اش محافظت از جان او را اراده کرده است و این امر و دستور پروردگار است که حضرت را مخفی نگه داشته است و آلا ترس و هراس در مورد حضرت وجود نداشته و ندارد.

کتابنامه:

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۶ش
- (۳) ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، دار الرضی، قم، ۱۳۳۰ ق، اول.
- (۴) ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۹ق، اول.
- (۵) دوانی، علی، مهدی موعود، ترجمه جلد ۵۱ بحار الانوار، اسلامیة، تهران، ۱۳۷۸ش، بیست و هشتم
- (۶) خسروی، غلام رضا، ترجمه و تحقیق مفردات راغب اصفهانی، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ش، دوم.
- (۷) طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، مؤسسه فقه الشیعة، بیروت، ۱۴۱۱ ق، اول.
- (۸) فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر صافی، مکتبه الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق، دوم.
- (۹) قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ق، ششم.
- (۱۰) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب، قم، ۱۴۰۴ق، سوم.
- (۱۱) عطاردی قوچانی، عزیز الله، زندگانی ۱۴ معصوم، ترجمه اعلام الوری طبرسی، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ق.
- (۱۲) مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار (ط - بیروت)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، دوم.